

مردم از سال ۹۶ به بعد به خاطر رأی به روحانی تنبیه شدند| اولین مسوول غیر نظامی کشور که به دلیل حمایت از رهبری تحریم شد من بودم.

مردم با رأی دادن به من تنبیه می شدند!



دی ماه سال 96 به روحانی پیشنهاد دادم چند نفر از وزرا را کنار بگذارد و دولت وحدت ملی تشکیل بدهد.

به گزارش اسپادانا خبر، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه سابق جمهوری اسلامی در گفت و گو با روزنامه صبح نو اظهار داشت:

بعد از اتفاقاتی که دی ماه سال ۹۶ رخ داد معتقد بودم به عنوان وزیر خارجه نباید ادامه بدهم و حتی به آقای دکتر روحانی پیشنهاد دادم که شما هم کنار بکشید چون شیب کشور از الان به سمت بدی دارد می رود. اولین پیشنهادم [به آقای دکتر روحانی] این بود که کنار بکشید و اگر کنار نمی کشید لاقلاً ما چند نفر (چند وزیر دولت) را کنار بگذارید و دولت «وحدت ملی» تشکیل بدهید چون الان کشور در شرایطی نیست که دعوی جناحی داشته باشد. معتقد بودم از ابتدای سال ۹۷ باید کنار برویم حتی با حضرت آقا در این باره صحبت کردم. احساس می کردم آنچه در دی ۹۶ رخ داد و متأسفانه در آبان ۹۸ هم تکرار شد (البته این دو مورد از جنس های مختلف بودند) حتما ترامپ را برای فشار بیشتر تشویق و تشجیع می کند. معتقد بودم برای مقابله با این نوع فشارها به دولت وحدت ملی نیاز داریم.

او گفت:

از تابستان سال ۱۳۹۹ دوستانی سراغ من آمدند و بیشترین فشارهایی که فکر می کردند روی من تاثیر می گذارد و واقعا هم تاثیر می گذاشت، فشارهای با رنگ و بوی وظیفه شرعی نه سیاسی؛ یک نفر استخاره ای برای من آورد و من هم گفتم که شما به چه حقی از طرف من استخاره گرفته اید؟ او هم آیات معروف سوره یوسف که می گوید: «... يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الصُّرُّ وَجُنَّتْ بَيْصَاعَةٌ مُزَجَّاةٌ...» را برای من آورد. دوست دیگری در چارچوب «علائم ظهور» آمد و با من صحبت کرد و فشارهایی در این زمینه آورد. دوستان دیگری هم از جناح اصولگرا نزد من می آمدند. یکی از آقایان از قم آمد و به من گفت که ما اصولگرا هستیم و می خواهیم از نامزدی تو حمایت کنیم. من به همه این پیشنهادها پاسخ یکسانی دادم و آن پاسخ این بود که من نامزد

نخواهم شد. بعد از پیروزی آقای بایدن فشارها بر من از دو طرف افزایش پیدا کرد. از یک طرف دوستان می‌گفتند که الان دیگر بایدن پیروز شده و تو باید بیایی. من هم می‌گفتم که نخیر! نمی‌آیم. از طرف دیگر به کسانی که با آمدن بایدن نگران آمدن من شده بودند پیغام دادم که از شما تقاضا می‌کنم به خاطر این فکر و خیال‌ها کشور را در معضل قرار ندهید. به نظر من مصوبه مجلس صددرصد در این جهت بود که فکر می‌کردند با آمدن بایدن فرصت برای یک نفر فراهم شده تا رئیس‌جمهور بشود و من می‌خواستم بگویم که آن یک نفر علاقه‌ای به ریاست‌جمهوری ندارد.

وی ادامه داد:

اگر رئیسی پیشنهاد وزارت خارجه را به من میداد رد می‌کردم. نمی‌توانستم دور یک میز با کسانی بنشینم که هشت سال تمام به من خائن و وطن‌فروش و... گفته بودند اما اگر فرضاً آقای دکتر لاریجانی یا اصلاً هر کسی که کمتر به من توهین کرده بود رئیس‌جمهور می‌شد من [پیشنهاد وزارت خارجه] را با اطمینان خاطر می‌پذیرفتم... ممکن بود آقای جهانگیری یا آسیدحسن آقای خمینی هم باشد که خیلی تفاوتی نمی‌کردند مثلاً می‌توانست آقای ناطق [نوری] هم باشد. من می‌توانم هزار نفر را نام ببرم که اگر رئیس‌جمهور می‌شدند مشکلی با وزیرخارجه شدنشان نداشتم. من با شخص آقای رئیسی برای همکاری به‌عنوان وزیر امور خارجه مشکلی نداشتم اما معلوم بود شاکله هیئت دولت ایشان جور دیگری است البته ایشان (رئیس) هم علاقه‌ای نداشت که من وزیر خارجه‌اش باشم و هیچ‌وقت هم چنین پیشنهادی به من نشد اما اگر پیشنهاد می‌شد، من را در موضع شخصی سختی قرار می‌داد.

وی با بیان این که برای رهبر قسم جلاله خوردم که قصدی برای شرکت در انتخابات ندارم ادامه داد:

خیلی روی من فشار بود که شرکت کنم و خیلی‌ها هم [از مشارکت من] به شدت نگران بودند. خیلی‌ها هم تحلیل‌های دروغ اطلاعاتی دادند و به شنود اشاره کردند. گزارش دادند که شنودها مبتنی بر این است که ظریف می‌خواهد رئیس‌جمهور بشود که همگی دروغ بودند. من در منزل حتی به همسرم و به بچه‌ها گفته بودم که اگر دیدید خیلی تحت فشار هستم یک جوری از تهران خارج کنید تا من نامزد نشوم. از دی‌ماه [سال ۱۳۹۹] به همکارانم گفته بودم که یکی از سفرهای خارجی‌ام (ترجیحاً سفری که قرار بود به آسیای جنوب‌شرقی داشته باشم) را برای هفته ثبت‌نام‌ها برنامه‌ریزی کنید لذا افزایش فشارها بر من، اصلاً ارتباطی به [کناره‌گیری] حسن‌آقا نداشت. برای مراسم ۲۲ بهمن که همراه دولت به مرقد حضرت امام (ره) رفته بودیم، موقع خداحافظی حسن‌آقا دست مرا گرفت و نگذاشت که بروم. ایشان مرا به اتاق پاپیون بردند و اصرار کردند که تو باید نامزد انتخابات بشوی. من هم گفتم که نمی‌خواهم نامزد بشوم. بعد از اینکه دیدار حاج‌حسن‌آقا با حضرت آقا اتفاق افتاد حسن‌آقا به من گفتند که می‌خواهم به دیدارت بیایم. من هم گفتم هنوز آنقدر بی‌ادب نشده‌ام که نوه امام بخواهد به دیدارم بیاید بنابراین من به دیدار شما می‌آیم. به منزل همسر امام (ره) رفتم و با حسن‌آقا دیداری داشتم. آنجا هم گفتم که من کاندیدا نخواهم شد. با این حال رای‌گیری کردند و من را به‌عنوان نفر اول در لیست خود جای دادند. فکر می‌کنم آقای امین‌زاده و محمدآقای صدر در جلسه گفته بودند که من کاندیدا نمی‌شوم البته یک نفر همانجا گفته بوده که اگر فشار بیاوریم، ممکن است قبول کند، اما من شخصاً هیچ شائبه‌ای ایجاد نکرده بودم که ممکن است [کاندیداتور] را بپذیرم. بعد از داستان نوار فشارها روی من برای اینکه نامزد بشوم تشدید شد.

وی اظهار کرد:

آقای کریمی‌قدوسی در جلسه کمیسیون امنیت ملی خیلی به من توهین کرد. خب! آقای کریمی‌قدوسی در هشت سال گذشته به من توهین کرده بود اما در آن جلسه، خیلی توهین کرد در حدی که گفتم نمی‌دانستم به مجلس آمده‌ام یا به نمایش. من در آن جلسه آی‌های از قرآن خواندم و ایشان جوری که انگار تحت‌تأثیر قرار گرفته به تمسخر گریه کرد. آنجا گفتم که این کارها را نکنید چون این کارها تأثیر منفی می‌گذارد. اگر می‌خواهید من را از انتخابات منصرف کنید... من که نمی‌خواهم در انتخابات شرکت کنم اما این کارهای‌تان تأثیر منفی می‌گذارد هم در اقبال مردم به من... گفتم این کارهایی که می‌کنید باعث می‌شود من فکر کنم به خاطر عاقبت‌طلبی است که نمی‌خواهم نامزد بشوم و اگر من به این باور برسم که دارم در مقابل خدا و مردم عاقبت‌طلبی می‌کنم و نامزد نمی‌شوم ممکن است تصمیم عوض شود بنابراین فشار نیاورید.

به‌خاطر تحلیلیم از شرایط نمی‌خواستم نامزد بشوم. معتقد بودم کشور به اجماع و وحدت ملی نیاز دارد و این اجماع با حملاتی

که دوستان علیه من می‌کردند، پیرامون من شکل نمی‌گرفت. دلیل دوم هم این بود که من توان ریاست‌جمهوری ندارم. در محاسبات من هیچ‌وقت این نبود که به فرض احتمال دارد از سوی شورای نگهبان رد بشوم یا ممکن است رأی نیاورم. اتفاقاً این‌ها (ردصلاحیت یا رأی‌نیاوردن) باعث می‌شد که نگرانی عاقبت‌طلبی من حذف شود. من از قطبیدگی در کشور نگرانم. بعضی‌ها قطبیدگی در کشور را ضروری می‌دانند. من ضمن اینکه مخالف حزب نیستم و البته خیلی سینه‌چاک حزب هم نیستم اما از قطبیدگی در جامعه خیلی نگرانم. من فکر می‌کردم اگر ظریف بیاید و تأییدصلاحیت بشود یا نشود قطبیدگی ایجاد می‌کند و اگر رأی بیاورد یا نیاورد باز هم قطبیدگی ایجاد می‌کند؛ براساس همین، آمدنم به هر شکلی را باعث باخت کشور می‌دیدم. [حضورم در انتخابات] در دو شکل باعث برد من می‌شد؛ یکی شورای نگهبان مرا رد می‌کرد و دیگری اینکه رأی نمی‌آورد. این دو شکل را بینی و بینا[] برای خودم برد می‌دانستم.

او گفت:

مردم با رأی‌دادن به من تنبیه می‌شدند کما اینکه احساس می‌کنم مردم از سال ۹۶ به بعد به‌خاطر رأی به روحانی تنبیه شدند و احساس می‌کردم این تنبیه در مورد من شدیدتر خواهد بود و این موضوع را به مصلحت کشور نمی‌دانستم.

او در مورد پخش فایل مصاحبه خویش از تلویزیون ایران اینترنشنال گفت:

من پنج‌شنبه خبردار شدم که فایل درز کرده است؛ آقای [حسام‌الدین] آشنا به من زنگ زد یا برایم پیام گذاشت که ما اطلاعاتی داریم که فایل درز کرده و امیدواریم که منتشر نشود اما خواستم بدانی که درز کرده است. به آقای آشنا گفتم من که حوصله نمی‌کنم هفت ساعت صحبت‌های خودم را دوباره گوش کنم اما از شما خواهش می‌کنم که تکست (متن) مصاحبه را برایم بفرستید. ایشان هم گفت که همان روزی که ما برایت صوت را فرستادیم، تکست را هم فرستاده بودیم. من هم اصلاً حوصله نکرده بودم CD را باز کنم و ببینم CD را در کامپیوتر دفترم گذاشتم اما باز نشد. یکی از همکاران را به دفترم آوردم و سی‌دی را برایم روی فلش ریخت اما فرصت نکردم حتی آن را باز کنم. بعد دیدم که [همراه صوت] تکست هم هست. این چیزی که گفتم برای روز پنج‌شنبه بود. بعد از آن، دو نفر از اصلاح‌طلبان به من زنگ زدند و گفتند که ما شنیده‌ایم یک چنین فایلی از تو لو رفته و حرف‌هایی راجعه موضوعاتی داری. این دو نفر از اصلاح‌طلبان متعادل و از رفقای مشترک با مرحوم شهید سلیمانی بودند. به من گفتند که سعی می‌کنیم نوار را برایت پیدا کنیم. من می‌دانستم که این ماجراها در راه است. پیش‌بینی می‌کردم. دیدم تکه‌هایی [از نوار] که انتخاب کرده‌اند، تکه‌های کاملاً جهت‌داری است و برای این است که ایجاد فشار کند. دو تا نوار بود؛ یکی، سه‌ساعته و دیگری چهارساعته که فقط سه‌ساعته بیرون آمد. احساس می‌کردم که یک طراحی‌ای وجود دارد.

او گفت:

در نظرسنجی‌های مریلند و جاهای دیگر محبوبیت من در یک دوره‌ای به بالای ۹۰ درصد رسید. سردار سلیمانی آن موقع ۶۰ و خرده‌ای درصد بود. البته اشتباه نشود؛ من دارم درباره مقطع زمانی سال ۹۳ صحبت می‌کنم. بعد از آن محبوبیت سردار سلیمانی خیلی بالا رفت. فراموش نکنید که اولین مسوول غیر نظامی کشور که به دلیل حمایت از رهبری تحریم شد من بودم. یعنی گفتند این ظریف، سخنگوی رهبری است. آقای رئیسی و آقای محسن رضایی هم به همین علت تحریم شدند اما چندین ماه بعد از من. بعد از سخنرانی حضرت‌آقا (سخنرانی واکنش به نوار) یک هشتگی شروع شد؛ ظریف تنها نیست. من فوراً به همه دوستان رسانه‌ای که داشتم، گفتم که من خواهش می‌کنم این هشتگ را بردارید چون می‌گفتم من در برابر چه کسی تنها نیستم؟ ۴۰ سال است که تمام زندگی‌ام را برای دفاع از جمهوری اسلامی و رهبری گذاشته و کتکش را هم خورده‌ام حالا بیایم و بگویم در برابر آقا تنها نیستم؟ یعنی چه؟ مگر من در برابر آقا هستم که می‌گویید من تنها نیستم؟ این همان بازی قطبیدگی است که بازی غالب سیاسی است. همان قطبیدگی که دوستان تلاش کردند میان ظریف و سلیمانی ایجاد کنند. من واقعاً عاشق شهید سلیمانی بودم و با همدیگر رفیق نزدیک بودیم. اگر شهید سلیمانی نبود من هرگز بعد از آن استعفا به دولت باز نمی‌گشتم. هرگز باز نمی‌گشتم؛ آن کسی که باعث شد من بازگردم، شهید سلیمانی بود. رابطه ما اینطوری بود اما دوستان سعی کردند میان من و شهید سلیمانی، قطبیدگی ایجاد کنند لذا هر دو جناح تلاش داشتند قطبیدگی ایجاد کنند اما من اعتقادی به این قطبیدگی ندارم. در همان نوار توضیح می‌دهم که چرا حضرت‌آقا می‌فرمایند: «من دیپلمات نیستم، انقلابی‌ام». ایشان باید این را بگویند، چون رهبری هیچگاه نفرمودند که امنیتی یا اقتصادی یا نظامی هستند. رهبری، انقلابی است و وجه پیوستگی ما به همدیگر، انقلابی بودن است و ایشان، مظهر این وجه پیوستگی است.

او گفت:

آقای لاریجانی روزی که از ریاست مجلس کنار رفت من خواهش کردم ساختمان‌های را در وزارت امور خارجه برای کار با چین در اختیار ایشان قرار بدهند. من برای کاری که کردم، توجیه کارشناسی داشتم؛ بعضی‌ها ممکن است فکر کنند من می‌خواستم آقای لاریجانی را برای ریاست‌جمهوری لائسه کنم البته بدم نمی‌آمد که آقای لاریجانی رییس‌جمهور بشود اما من در حوزه داخلی اصلاً فعالیت نمی‌کنم که بخواهم یا نخواهم ایشان را برای ریاست‌جمهوری لائسه کنم؛ به من ربطی نداشت.

برچسب‌ها: [محمدجواد ظریف](#) [1]

[ابراهیم رئیسی](#) [2]

[رهبر انقلاب](#) [3]